

خاطره میرزا؛ میرزا کوچک‌خان جنگلی در حافظه جمعی گیلانیان

سولماز آوریده^۱

حمید عباداللهی چندانق^۲

حسین آقاجانی مرساء^۳

محمدصادق فرید^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۳

چکیده

مقاله حاضر به مقایسه نسلی خاطره میرزا کوچک‌خان جنگلی در استان گیلان می‌پردازد. در این بررسی از رویکرد حال‌گرا و نظریه کادرهای اجتماعی حافظه استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق ساکنین شهرستان‌های فومن، شفت، صومعه‌سرا، تالش، آستارا و توابع آن‌ها بود. روش گردآوری اطلاعات، روش میدانی و ابزارگردآوری اطلاعات مصاحبه غیرساختمند و عمیق است؛ بدین شکل که از این مناطق با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری و با تبعیت از قاعده اشباع تعداد هفتاد و شش نمونه انتخاب شد و با روش مصاحبه غیرساختمند مورد مطالعه قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد نسل به عنوان یک کادر اجتماعی در جایگاه میرزا در شکل‌دهی حافظه جمعی گیلانیان تأثیر دارد. خاطره میرزا در نسل اول انضمامی، پراکنده و ترکیب از هم جدایی از روایت‌های شفاهی به‌جا مانده از خویشاوندان و افراد محلی است. نسل دوم به دلیل استفاده از رسانه‌های رسمی، بهره‌گیری از گفتارهای شفاهی اقوام و بومیان محلی، میرزا را با واقعیت‌های تاریخی به‌یاد می‌آوردند و دارای خاطره مؤثر از میرزا بودند. خاطره میرزا در نسل سوم به دلیل نفوذ فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی در تصویرسازی از میرزا در کنار فقدان منابع اطلاعاتی در این نسل، به شکل مبهم و اساساً تحت تأثیر رسانه‌های ملی بازنمایی شد. در واقع تصویر مبهم و هاله‌ای از میرزا برجای گذاشته است. پس از «نسل»، «دینداری» از کادرهای اجتماعی تأثیرگذار بر حافظه جمعی در این پژوهش بود، به نحوی که عده کثیری در یادآوری میرزا به مباحث شرعی یا احکام دینی قیام میرزا اشاره داشتند و مرام و اهداف میرزا را ایجاد حکومت دینی بیان کردند.

کلیدواژگان: حافظه جمعی، خاطره میرزا، دینداری، کادرهای اجتماعی، نسل.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

avarideh 92@gmail.com

^۲ دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان، رشت، ایران. نویسنده مسئول

h_ebadollahi@guilan.ac.ir

^۳ دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

a_marsa1333@yahoo.com

^۴ استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

msfarbod141@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

در تاریخ معاصر ایران هر از چند گاهی حرکت‌ها، نهضت‌ها و قیام‌هایی با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی کشور برای مقابله با اشغال‌گری خارجی و استبداد سیاسی داخلی به وقوع پیوسته است. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد بیشتر خیزش‌های اجتماعی در برابر ظلم، ستم و بی‌عدالتی صورت گرفته است. در میان همه قیام‌هایی که قبل از سه دهه اخیر به وقوع پیوسته، قیام میرزا کوچک‌خان جنگلی و جنبش جنگل از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است. میرزا کوچک تا آخرین لحظه زندگی تسلیم دشمنان داخلی و خارجی نهضت‌ش نشد و سرانجام جان‌ش را در راه تحقق اهداف عالی خود از دست داد. وی روحانی آزاده و از مبارزان دوره مشروطیت بود که با تأسی از افکار و ایده انقلابی «اتحاد اسلام» اقدام به تشکیل و سازماندهی دسته‌جات مسلح در گیلان کرد که بعدها به «انقلاب گیلان» و «نهضت جنگل» معروف شد. هفت سال تلاش میرزا کوچک در راه‌اندازی نهضت جنگل و مبارزه با حکمرانان در دوره محمدعلی‌شاه و احمدشاه قاجار نام نیکی برای وی در پی داشت. حرکت انقلابی او همواره از سوی نیروهای سیاسی مختلف در ایران معاصر مورد توجه بوده است. در همین راستا، روایت‌هایی از سوی نیروهای سیاسی مختلف در ایران معاصر مورد توجه بوده است. در همین راستا، روایت‌هایی از سوی نیروهای سیاسی شکل گرفت که تلاش کردند جنبش جنگل را با رویکردی کل‌گرایانه و چهره‌ای واحد تعبیر کنند. برخی از نیروهای سیاسی جنبش جنگل را حرکتی چپ‌گرایانه، مرتبط با جریان بلشویکی و برای اعاده عدالت اجتماعی تفسیر کرده‌اند (شاکری، ۱۳۸۶: ۱۰۵)؛ حکومت پهلوی آن را حرکتی اوباش‌گرایانه تعبیر کرده است (مدنی، ۱۳۹۱: ۸۲-۹۵)، اما در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی چهره میرزا کوچک‌خان و کلیت جنبش جنگل عمدتاً با چهره‌ای اسلام‌گرایانه تفسیر شده است (مدنی، ۱۳۷۷: ۳۷).

تنوع تفسیرها از جنبش جنگل و رهبری آن خود گواهی بر خصلت حال‌گرایانه گذشته و بازسازی گذشته توسط افراد و گروه‌های اجتماعی سیاسی مختلف در زمان‌های مختلف است. فارغ از نوع تفسیرها از جنبش جنگل و چهره میرزا کوچک‌خان جنگلی، تمامی تفسیرها از نوع «تاریخ از بالا»، «کل‌گرایانه» و «روشنفکرانه» بوده است و در آن‌ها تفسیر رایج در بین مردم محلی یا آنچه اصطلاحاً «تاریخ از پایین» نامیده می‌شود، غایب است. این درحالی است که پژوهش از مردم محلی و روایت‌های آنان از وقایع گذشته بخشی از مطالعات در حوزه «تاریخ فرهنگی» به‌شمار می‌رود. در همین چارچوب، بازنمایی یا خوانش نقش شخصیت‌های مهم و اثرگذار تاریخی چون میرزا کوچک‌خان بسان چهره‌ای نمادین یا اسطوره‌ای درخور اهمیت است. آنچه در ذهنیت ایرانیان به‌ویژه مردم گیلان درباره میرزا به عنوان بانی نهضت جنگل و مبارز در برابر بیگانگان نقش بسته، از موضوعات جالب و پُر‌جذبه در حوزه تاریخ فرهنگی است و برای بررسی تغییر حافظه جمعی^۱ می‌تواند مفید باشد.

¹ collective memory

این مفهوم دارای ترجمه‌های متعددی است، ولی بیشتر به معنی حافظه جمعی و خاطره جمعی لحاظ می‌شود.

پژوهش حاضر در پی مطالعه خاطره میرزا کوچک‌خان و نحوه بازسازی آن در حافظه جمعی مردم محلی است. برای بررسی نحوه برساخته شدن خاطره میرزا کوچک‌خان در حافظه جمعی مردم گیلان نیز از مبحث کادر اجتماعی حافظه موریس هالبواکس و نظریه «نسل» مانهایم (۱۹۵۲) استفاده شده است.

پرسش اصلی پژوهش

۱. چه تنوعاتی از خاطره میرزا کوچک‌خان جنگلی در بین مردم محلی گیلان وجود دارد؟
۲. خاطره میرزا کوچک‌خان جنگلی تحت تأثیر کادرهای اجتماعی چه تغییراتی می‌کند؟

فرضیه‌های پژوهش

- الف. نسل‌های مختلف میرزا کوچک‌خان را متفاوت به یاد می‌آورند.
- ب. با تغییر در میزان دینداری، نحوه به یادآوری میرزا کوچک‌خان تغییر کرده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

توجه به جایگاه گذشته در زندگی روزمره مردم محلی و کارکردهای چندگانه آن می‌تواند جنبه‌ای دیگر از تاریخ را نمایان کند. اهمیت چنین تحقیقاتی در مرتبط ساختن گذشته با حال و ارتباط تأثیرپذیر و تأثیرگذار بازسازی گذشته با هویت، قدرت، بازتولید جامعه یا اجتماع محلی و روایت‌های گروه‌های مسلط و سرکوب‌شده از خود در زمان حال و آینده است. جامعه ما اساساً جامعه‌ای است که از گذشته اطلاعات زیادی ندارد. وضعیت کشورهای خاورمیانه به نحوی است که یک واقعه را در زمان‌های مختلف، متفاوت تجربه می‌کنند. مطالعه خاطرات می‌تواند باعث زنده ماندن آن وقایع و مانع از تکرار آن وقایع در زمان‌های بعدی باشد. تنها به این شیوه انباشتی میزان اشتباهات کاهش پیدا می‌کند و جامعه به سمت‌وسوی بهتر حرکت می‌کند. از آنجایی که حافظه جمعی به شدت تحت تأثیر سیاست رسمی قرار دارد، خود مطالعات حافظه می‌تواند به این زنده ماندن کمک کند؛ البته تحقیقات زیادی روی وقایع انجام گرفته است، ولی تا به حال روی قهرمانان محلی کمتر کار شده که این پژوهش می‌تواند به ما کمک کند تا رصد کنیم چقدر حافظه محلی در طی زمان و با گذر نسل‌ها تغییر می‌کند؛ بنابراین مطالعه حافظه، بررسی و تفکر در مورد گذشته جامعه، شخصیت‌ها، قیام‌ها و فعالیت‌های دولتی علاوه بر افزایش خودآگاهی و توانمندسازی برای ارزیابی قابلیت‌ها و محدودیت‌هایمان می‌تواند از حوزه‌های جذاب در نقد فرهنگ عامه و سیاست‌های فرهنگی اعمال شده در اجتماعات محلی باشد. معرفی چنین تحقیقاتی به جامعه علمی می‌تواند راهگشای پژوهش‌هایی بر وقایع و شخصیت‌های ملی باشد.

اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش بررسی تنوع خاظره میرزا کوچک‌خان جنگلی و نحوه بازسازی آن در بین اجتماعات محلی در استان گیلان است؛ همچنین فهم جایگاه کادرهای اجتماعی در تأثیرگذاری بر یادآوری میرزا کوچک‌خان از اهداف جزئی هم‌جهت با هدف کلی فوق است.

پیشینه پژوهش

الف. پژوهش‌های خارجی

با توجه به کثرت پژوهش‌های خارجی مرتبط، تنها به چند مورد برجسته اشاره می‌کنیم: لارسون و لیزاردو (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «نسل‌ها، هویت‌ها و حافظه جمعی چه‌گوارا» در پی پاسخ به این سؤال بودند که تجاری‌سازی یک چهره معروف، به‌ویژه یک چهره سیاسی چگونه بر نحوه به‌خاطرآوری او تأثیر می‌گذارد؟ یافته‌های پژوهش نشان داد خاظره چه‌گوارا از الگوی نسلی پیروی می‌کند و وابستگی مثبت و خطی میان گروه‌های سنی و احتمال به یادآوری چه‌گوارا وجود دارد.

شومن و راجرز (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «گروه همسالان، تاریخ‌نگاری و حافظه جمعی» به بررسی چگونگی تغییرات حافظه جمعی آمریکایی‌ها از ابتدای دهه ۱۹۳۰ و بحران رکود اقتصادی در آمریکا تا حمله یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ پرداخته‌اند. یافته‌های آنان نشان داد که افراد عمدتاً حوادثی را به یاد می‌آورند که آن را در طول سنین بحرانی خود (نوجوانی و اوایل جوانی) تجربه کرده‌اند. دومین یافته مهم پژوهش نشان داد وقایع جدید در زمان حال باعث تجدید رخدادهای گذشته و مانع فراموشی آن‌ها می‌شود (شومن و راجرز، ۲۰۰۴ در جاوید، ۱۳۹۴: ۱۴).

شوارتز (۱۹۹۷) در پژوهشی با عنوان «تاریخ و حافظه جمعی: چگونگی تبدیل آبراهام لینکلن به نماد برابری نژادی» خاظره آبراهام لینکلن را در حافظه جمعی چندین نسل بررسی کرده است؛ نتایج نشان می‌دهد علاوه بر قدرت اصلی نمادها و شبکه‌های یادآوری (جهان‌بینی‌های نسلی و سیاست حافظه)، شرایط و رویدادهای فعلی در بازنمایی و قرائت‌ها مؤثر و دخیل‌اند.

شومن و اسکات (۱۹۸۹) در پیمایشی ملی با عنوان «نسل‌ها و حافظه جمعی» حافظه جمعی آمریکایی‌ها را در مورد تغییرات، وقایع جهانی و ملی پنجاه سال گذشته مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که یادآوری در چارچوب گروه همسالان صورت می‌گیرد و منشأ این یادآوری تجارب دوره نوجوانی و اوایل جوانی است که در قالب تلاقی «تاریخ شخصی» با «تاریخ ملی» صورت می‌گیرد.

ب. پژوهش‌های داخلی

فرزید و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی رابطه میان حافظه جمعی و هویت ایرانی را به شکل نظری بررسی کردند. نتایج نشان داد: حافظه جمعی در شکل روایت‌های تاریخی‌نگر به

عنوان قدرت اجتماعی علاوه بر ایجاد پیوستگی فرد ایرانی به ملت ایران باعث شکل‌گیری هویت ایرانی در آنان می‌شود.

جان‌علیزاده چوب‌بستی و فرزند (۱۳۹۵) در پژوهش «نشانه‌شناسی حافظه جمعی جنگ ایران و عراق (دفاع مقدس): بررسی موردی تصاویر هم‌رسانی شده در شبکه‌های اجتماعی مجازی». نتایج نشان از دست‌یابی محققان به چند مضمون و تم محوری از جمله تقدس مرگ وطن‌پرستانه، چرخش به سمت بدن و... است که در حافظه جمعی جنگ بازنمایی شده است. وجود این مضامین نشان از وقوع تحول اساسی در نظام بازنمایی جنگ در سومین دهه سپری‌شده از آن است.

عباداللهی و آوریده (۱۳۹۴) در مطالعه «خاطره اصلاحات ارضی» به این نتیجه رسیدند که «خاستگاه طبقاتی» مهم‌ترین کادر اجتماعی حافظه جمعی نمونه‌های مطالعه است؛ پس از خاستگاه طبقاتی، به ترتیب «دین» و «تحصیلات» مهم‌ترین کادرهای اجتماعی‌ای بودند که واقعه اصلاحات ارضی در درون آن‌ها به یاد آورده می‌شد.

کاظمی و مصطفی‌پور (۱۳۹۲) در پیمایشی به بررسی حافظه جمعی قوم کرد در شهرستان بوکان پرداخته‌اند. نتایج نشان داد: بین متغیر سن، هویت مذهبی، تحصیلات و هویت ملی با برجسته‌سازی وقایع مهم تاریخی در ایران تفاوت معناداری مشاهده شد.

توسلی و ادهمی (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بین حافظه تاریخی، هویت قومی و جهانی شدن در کردستان ایران پرداختند. نتایج پژوهش بر بالا بودن میانگین هویت قومی نسل کهن، حافظه تاریخی نسل میان سال و بهره‌گیری از رسانه‌های جهانی نسل جوان دلالت داشت. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد هرچه نسل جوان از حافظه تاریخی بالاتری برخوردار باشد، دلبستگی و تعلقش به عناصر هویت قومی بالاتر است.

مروری بر پیشینه تحقیقات انجام‌شده در داخل و خارج از کشور گواه بر آن است که در اکثر پژوهش‌ها علاوه بر تأکید بر تأثیر کادرهای اجتماعی و نظریه نسلی مانهایم در شکل‌گیری حافظه، بر رویکرد حال‌گرایی در پژوهش‌ها توجه ویژه شده است؛ همچنین تأکید بر ماهیت پیچیده فهم، زمینه‌مندی آن و بازسازی مداوم گذشته در حال و افکندن «فهم-های حال از گذشته» بر گذشته؛ یعنی ترکیب حافظه با تاریخ از مواردی بود که در برخی از تحقیقات خارجی و گاهی در پژوهش‌های داخلی به چشم می‌خورد. تنوع نوع روش‌شناختی در پژوهش‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که پدیده حافظه جمعی از طریق روش‌های کمی و کیفی با کمک ابزارهای متنوع مانند مصاحبه عمیق، پرسش‌نامه یا حتی از طریق مکتوبات ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به علت ضعف سوابق پژوهشی در حوزه تاریخ بومی، محلی و قهرمانان ملی و احساس خلاء در این زمینه، پژوهش حاضر سعی در جبران این ضعف داشته است و با تحقیق روی میرزا کوچک‌خان و شخصیت آن سعی دارد میرزا کوچک را هم به عنوان قهرمان ملی و هم به عنوان شخصیت محلی مورد توجه قرار دهد. پژوهش با محوریت خاطره میرزا می‌تواند توجه مطالعات حافظه در ایران را به سمت مطالعات تاریخ جنبش‌های محلی و شخصیت‌ها و قهرمان‌های محلی-ملی جلب کند. در این پژوهش سعی بر آن است

که چگونگی فهم و درک مردم از واقعه جنبش جنگل و میرزا کوچک‌خان را از خلال تجربه-های افراد جمع‌آوری کنیم و نشان دهیم تا چه حد یادآوری میرزا کوچک‌خان و قیام وی به مثابه گذشته در چارچوب کادریهای اجتماعی صورت می‌گیرد.

چارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش از رویکرد نظری «کادریهای اجتماعی حافظه»، رویکرد «حال‌گرا» از موريس هالبواکس، نظریه «نسلی» کارل مانهایم و نتایج نظری پژوهش‌های شومن، اسکات، راجرز و بقیه محققان استفاده شده است. اولین اندیشه‌های جامعه‌شناختی در مورد حافظه را امیل دورکیم نوشته بود. وی بر نقش مذهب در یادآوری مردم از گذشته خود و اتصال آن‌ها به یکدیگر تأکید داشت (دورکیم، ۱۹۹۵ در کانوی، ۲۰۱۰: ۴۴۴). دورکیم از نوعی مناسک عبادی به نام مناسک نمایشی و یادبودوارانه نام می‌برد که انجام مناسک گویی خود هدف است، مانند جشن‌های خاص سالانه که در آن مؤمنان برای شادمانی گرد هم می‌آیند. این گونه مراسم نقشی کاملاً اجتماعی دارد و هدف آن برانگیختن برخی احساسات و زنده نگه داشتن روح تعلق فرد به گروه است (اسلامی، ۱۳۸۴: ۲۱۵). حافظه‌های جمعی نشانه‌هایی از گذشته هستند که در زمان حال به خاطر آورده شده و دوباره تأیید می‌شوند و به‌طور دوره ای در مراسم یادبود، جشن‌ها، اشعار، تصاویر و نمایش‌های نمادین دیگر تقویت می‌شوند. (لارسون و لیزاردو، ۲۰۰۶: ۸). دورکیم هم بر اهمیت ابزار یادبود و دیگر دستگای مربوط به حافظه مانند متون مختلف، موزه‌ها، نقاشی‌های دیواری، بناهای تاریخی و... -که گذشته را در زندگی روزمره ما نهادینه می‌کنند- تأکید داشت (کانوی، ۲۰۱۰: ۴۴۳). تأکید دورکیم بر جامعه‌شناسی ساختاری و بیان این موضوع است؛ هنجارها و ارزش‌ها -که در خارج از ما قرار دارند- در تعیین موضع نظری تأثیرگذار هستند (جلایی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۴۵). دلیل این مدعی است که از نظر دورکیم ارزش‌ها و هنجارها حافظه جمعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و بازنمایی خاطرات در افراد بدون هیچ تفکری صورت می‌گیرد.

موريس هالبواکس، شاگرد جامعه‌شناسی دورکیمی پیشگام ادبیات جامعه‌شناختی در مورد حافظه است. پرسش اصلی وی این است که «چگونه افراد به یاد می‌آورند؟». هالبواکس استدلال می‌کند که گرچه فرد است که یادآوری می‌کند، ولی اینکه چه چیز را و چطور به یاد می‌آورد، به چارچوب‌های اجتماعی حافظه وابسته است. او معتقد است که به یاد آوردن خاطره خالص، غیرمستقیم، بدون تغییر، «عکاسی» گذشته نیست، بلکه فرآیندی است که خاطرات گذشته را به وسیله تفسیر، سازماندهی و ادغام تصاویر منحصر به فرد به یک وحدت معنادار متصل می‌کند. بدین ترتیب هالبواکس می‌گوید: حافظه جمعی و چارچوب اجتماعی برای حافظه وجود دارد تا حدی که تفکر فردی ما خود را در این چارچوب قرار می‌دهد و در حافظه‌ای شرکت می‌کند که توانایی انجام یادآوری را دارد. افراد تجربیات گذشته را در فرآیند به‌یادآوری از طریق چهارچوب‌های اجتماعی برای حافظه تفسیر، سازمان‌دهی و هماهنگ می‌کنند و هنجارهای اجتماعی، ارزش‌ها، اعتقادات و

انتظارات به عنوان عضوی از جامعه در فرد درونی می‌شوند (تانجل، ۲۰۱۴: ۸۲). هالبواکس ادامه می‌دهد: به طور یقین، هر کس ظرفیتی برای حافظه (خاطرات) دارد که با توجه به شرایط مختلف زندگی، با دیگران متفاوت است. وی استدلال می‌کند که چارچوب اجتماعی برای حافظه، انسجام گروهی و هویت اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد (هالبواکس، ۱۹۹۲: ۵۳ در تانجل، ۲۰۱۴: ۸۳).

بدین ترتیب هالبواکس دو مدل متفاوت از حافظه جمعی را ارائه داده است. در کتاب «چارچوب‌های اجتماعی حافظه» نشان داد که با اینکه این فرد است که به یاد می‌آورد، ولی این به یادآوری تحت تأثیر گروه یا جمعی است که وی در آن عضویت دارد و این یک نوع از حافظه جمعی است که نشان می‌دهد خاطرات فردی برگرفته از چارچوب‌های اجتماعی است. نوع دیگر حافظه جمعی که آن را در کتاب «توپوگرافی افسانه‌گون انجیل‌ها از سرزمین مقدس» بیان می‌کند، اشاره به اهمیت نمادهای یادبودی، مناسک و آیین‌هاست که برخلاف نوع اول حافظه، به جمع‌گرا بودن حافظه تأکید دارد و به فراتر از فرد، به گروه و فرهنگ‌ها توجه می‌کند (اولیک، ۱۹۹۹: ۳۳۶ در جان‌علیزاده چوب‌بستی، ۱۳۹۶: ۴۴). وی در ادامه بیان می‌کند: «باید نشان دهیم که در خارج از رؤیاهایمان یعنی در واقعیت، گذشته تکرار نخواهد شد و همه چیز به نظر نشان‌دهنده آن است که گذشته حفظ نمی‌شود، بلکه براساس زمان حال بازسازی می‌شود» (هالبواکس، [۱۹۲۵] ۱۹۹۴: ۳۹ - ۴۰ در پکینو ۲۰۱۲: ۸۰). رویکرد نظری حال‌گرای هالبواکس در مورد حافظه جمعی بر این فرض استوار است که گذشته سازه اجتماعی‌ای است که براساس نگرانی‌ها و نیازهای زمان حال شکل می‌گیرد و همچون واقعیت‌های اجتماعی دیگر بیرون از ذهن فرد قرار دارد و به‌طور اجتماعی ساخته می‌شود، همچنین در چارچوب ساخت‌های مختلف جامعه معنای مختلفی به خود می‌گیرد (شوارتز، ۱۹۹۱: ۲۲۲)، بنابراین می‌توان فرض کرد که تغییر چارچوب‌های اجتماعی حافظه که منجر به تحول یادآوری و حافظه می‌شود، به صورت منفی بر ثبات گروه تأثیر می‌گذارد. با این حال، با توجه به نظر هالبواکس تداوم فضایی چارچوب اجتماعی حافظه برای انسجام خاطرات و گروه مهم‌تر از زمان است (تانجل، ۲۰۱۴: ۸۴).

علاوه بر رویکردهای نظری مرتبط با حافظه جمعی در این پژوهش به رویکرد نظری مانهایم در خصوص نسل می‌پردازیم. از نظر مانهایم، نسل محل ظهور و محل انتقال و تداوم جهت‌گیری‌های فکری و فرهنگی جدیدی است که در بستر اجتماعی-تاریخی ویژه‌ای - که هر نسل معین در آن رشد کرده- ریشه دارد. این جهت‌گیری‌ها به صورت اهداف، نیات و راه‌حل‌های نو برای مشکلات حیاتی جامعه به‌صورت تکامل و ظهور یک «سبک نسلی» ظاهر می‌شود (قاضی‌نژاد و توکل، ۱۳۸۵: ۱۰۱). از نظر مانهایم هر نسل مهر خاص حوادث اجتماعی - سیاسی دوره اصلی شکل‌گیری (جوانی) خود را بر پیشانی دارد. حوادثی که طی این دوره تجربه می‌شوند، نفوذی قاطع و تعیین‌کننده در تمایز ایدئولوژیک و در تعیین ساختار ذهنی، فرهنگ و رفتار بعدی اعضای یک نسل خواهد داشت (شومن و اسکات، ۱۹۸۹: ۳۵۹). شومن و اسکات (۱۹۸۹) نشان دادند که حافظه‌های رویدادهای تاریخی نیز

می‌توانند به‌طور فرهنگی در سنین جوانی برجسته شوند (شومن و ریگر، ۱۹۹۲؛ شومن و کورنینگ، ۲۰۰۰). براساس مفهوم نسلی کارل مانهایم، شومن و اسکات در مورد یادآوری نسل‌های مختلف در مورد گذشته به این نتیجه رسیدند که دوران نوجوانی و اوایل بزرگسالی مهم‌ترین دوران زندگی یک فرد از نظر شکل‌گیری حافظه است و وقایعی که هم‌سن‌ها در اوایل جوانی تجربه می‌کنند، به عنوان ویژگی نسلی می‌تواند ارزش‌ها و رفتارهای آتی آنان را شکل دهد و باعث شکل‌گیری حافظهٔ جمعی تقریباً مشابهی شود (کانوی، ۲۰۱۰: ۴۴۸). اگر بینش شومن و اسکات (۱۹۸۹) از رویدادهای تاریخی را به چهره‌های معروف بسط دهیم، آنگاه باید انتظار داشته باشیم که خاطرات می‌توانند چهره‌های معروف یک الگوی نسلی را دنبال کنند. با بررسی پیشینهٔ داخلی و خارجی می‌توان مشاهده کرد که با رواج بررسی شخصیت‌ها و قهرمانان در پژوهش‌های خارجی، چنین تحقیقاتی روی شخصیت‌های ملی و منطقه‌ای در ایران صورت نگرفته است. با توجه به مسئله این پژوهش که فهم نظام معنایی افراد در مورد یکی از شخصیت‌های تاریخی مهم در تاریخ معاصر ایران است، همچنین تغییر این نظام معنایی در نسل‌های مختلف، رویکرد نظری هالبواکس و مانهایم به عنوان چارچوب نظری این پژوهش انتخاب شده است تا با توجه به این رویکردها بتوان تفسیر و بازنمایی متفاوت از میرزا کوچک‌خان را به‌دست آورد.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر، روش پژوهش کیفی است و هدف به دست آوردن معانی و تفسیرهای ذهنی افراد در مورد میرزا کوچک‌خان است. روش گردآوری اطلاعات روش میدانی است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز مصاحبهٔ عمیق و غیرساختمند است، زیرا هدف شنیدن خاطره و دیدگاه افراد در مورد میرزا و ارتباط آن با کادرهای اجتماعی و جایگاه حکایت‌کننده در ساختار اجتماعی است و این ویژگی و توانایی در مصاحبهٔ عمیق و غیرساختمند وجود دارد. جامعهٔ آماری این پژوهش شهرستان‌های شفت، فومن، صومعه‌سرا، تالش، آستارا، روستاها و توابع آن‌هاست. حجم نمونه با توجه به اصل اشباع در سه نسل ۷۶ نفر انتخاب شده‌اند که توضیح تعداد حجم نمونهٔ آنان برحسب شهرستان‌های پیش‌گفته در جدول شمارهٔ یک آمده است. به دلیل اشباع در یافته‌های تحقیق به نقل قول چند نفر از آنان در این مقاله اکتفا شده است. نمونه‌ها در شهرستانهای مورد نظر انتخاب شدند. نخست چند نفر دارای اطلاعات کافی در مورد میرزا شناسایی و مصاحبه شد. بعد از مصاحبه با این افراد، با راهنمایی آنها، افراد دیگری با همین ویژگی (دارای اطلاعات کافی از میرزا)، انتخاب و مصاحبه شدند (در خصوص این شیوه نمونه‌گیری نگاه کنید به: بیکر، ۱۳۸۷: ۱۷۲). شهرستان‌های منتخب برای مصاحبه، از آن جهت که افرادشان در پایه‌گذاری نهضت میرزا و قیام جنگل بیشترین نقش را داشتند، یا مقر اصلی قیام میرزا یا از مکان‌های پرتردد میرزا در طول قیام جنگل بوده انتخاب شدند. بنابر نظریهٔ کارل مانهایم دورهٔ اواخر نوجوانی و اوایل جوانی در شکل‌گیری بُعد پدیدارشناختی نسل از اهمیت بالایی برخوردار است. فرض ما بر

آن بوده است که با توجه به سیاسی بودن خاطره میرزا و تلاش هر دو حاکمیت در بازنمایی میرزا کوچک‌خان در چهارچوب سیاست خاطره آن دوران، همچنین ماندگاری خصلت‌های سیاسی هر نظام بر عده‌ای از افراد می‌توان از دیدگاه سه نسل خاطره میرزا را یادآوری کرد. بر همین مبنا در این پژوهش جامعه آماری به سه نسل اول، نسل دوم و سوم تقسیم شد. نمونه‌های مورد بررسی با توجه به نظریه نسلی مانهایم براساس سن و تجربه زیسته درونی شده به سه نسل مختلف دسته‌بندی شدند. نسل اول (متولدین ۱۳۱۲ تا ۱۳۴۶) همراه با خاطره میرزا، نسل دوم (متولدین ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۷) دارای خاطره مؤثر از میرزا و نسل سوم (متولدین ۱۳۷۲ تا ۱۳۵۸) بدون خاطره مؤثر از میرزا.

جدول ۱. تعداد نمونه‌های مصاحبه‌شده در سه نسل برحسب شهرستان‌ها

نسل			نسل شهر
نسل سوم (متولدین دهه ۱۳۷۲-۱۳۵۸)	نسل دوم (متولدین دهه ۱۳۴۷-۱۳۵۷)	نسل اول (متولدین دهه ۱۳۱۲-۱۳۴۶)	
۵	۶ نفر	۵ نفر	تالش و توابع
۴	۵ نفر	۷ نفر	شفق و توابع
۵	۴ نفر	۸ نفر	صومعه‌سرا و کسما
۴	۵ نفر	۶ نفر	فومن و آلبان
۳	۴ نفر	۵ نفر	آستارا و توابع
۲۱	۲۴	۳۱	جمع کل: ۷۶

روش توصیف و تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از اتمام نمونه‌گیری - که با اتکا به قاعده اشباع نظری انجام گرفت - با پیاده کردن گفت‌وگوها از نوار و تهیه متن نوشتاری از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان و پاکسازی بسیاری از مطالب اضافی و تکراری، فرآیند بررسی محتوای آشکار و پنهان داده‌های به‌دست آمده از گفته‌ها و نوشته‌ها آغاز می‌شود. سعی شد تا حد امکان به آشکارکردن پیام‌های نهفته در متن نوشتاری مصاحبه پرداخته شود، سپس سؤال‌های اصلی پرسیده شد، یادآوری‌ها و سؤال‌های مکمل در آن ذکر شد و با مرور ادبیات موجود درباره موضوع پژوهش ایده‌هایی را درباره اینکه کدام موضوعات و مفاهیم را باید برای کدگذاری انتخاب کرد به دست آوردیم، سپس کدگذاری‌ها را برحسب نظریه‌های انتخاب‌شده، تعریف و مفاهیم جدیدی متناسب با آن‌ها را از داده‌های مصاحبه استخراج کردیم. با اتکا به رویکرد نظری پژوهش سعی شد یادآوری خاطرات میرزا کوچک‌خان در چارچوب کادرهای اجتماعی حافظه به‌ویژه کادرهای نسل و دینداری مورد بررسی قرار گیرد. البته در پژوهش حاضر قصد تعمیم داده‌های

به‌دست آمده از هفتادوشش مصاحبه انجام‌گرفته را نداشته‌ایم، بلکه تلاش کرده‌ایم که روایت این افراد از نهضت جنگل و شخصیت میرزا را با توجه به نحوه یادآوری آنان بیان کنیم.

یافته‌های پژوهش

پیش از پرداختن به یافته‌های این پژوهش، ذکر این نکته حائز اهمیت است که این پژوهش در چارچوب مطالعات «تاریخ از پایین» و با تمرکز بر مفهوم «حافظه جمعی» ادعایی در خصوص روایتگری عینی از جنبش جنگل و شخصیت میرزا نداشته، بلکه با استفاده از رویکردهای نظری موجود در حوزه مطالعات حافظه جمعی در پی بررسی تغییرات نسلی در «یادآوری» میرزا و جنبش جنگل است. در این پژوهش، سیالیت خاطره میرزا و جنبش جنگل محور اصلی مطالعه بوده است و بر همین مبنا مقاله تلاش دارد نحوه بازنمایی خاطره میرزا و جنبش جنگل را در کادر اجتماعی نسل نشان دهد. در پژوهش حاضر به دلیل سپری شدن نزدیک به یک قرن از شهادت میرزا^۱ و گذشتن چند نسل بعد از واقعه قیامت، نحوه یادآوری میرزا در خور توجه خواهد بود. با وجود حاکمیت پنجاه‌وهفت ساله پهلوی‌ها و سیاست خاطره موجود در آن دوران، همچنین وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، تغییر سیاست خاطره در دوره بعد از انقلاب، بررسی تفاوت‌های حافظه جمعی نسل اول، نسل دوم و نسل سوم در مورد میرزا کوچک‌خان می‌تواند نکات جالب توجهی را نمایان سازد. به دلیل مفصل بودن مصاحبه‌ها، داده‌های به‌دست آمده از میرزا در قالب مفاهیم کلی زیر قابل دسته‌بندی هستند:

خاطره میرزا و جنبش جنگل در بین نسل اول

الف. شخصیت میرزا

از بررسی و تفسیر روایت‌های میرزا در نسل اول می‌توان به دو ویژگی مهم در شخصیت میرزا پی برد. یک جنبه آن اشاره به ویژگی‌ها و شخصیت‌های بیگانه‌ستیزی و ایستادگی در برابر استعمار است. در نسل اول فارغ از هر نوع تعصب قومی، تحصیلات، مذهب و منطقه محل زندگی، واقعه نهضت جنگل و مبارزه میرزا را به عنوان یک امر بسیار حیاتی، اثرگذار بر تاریخ گیلان و بر خصوصیات اخلاقی‌شان تجربه کرده‌اند. از میرزا به عنوان مبارزی نام می‌برند که در برابر استعمار و بیگانگان ایستادگی می‌کرد و روح سلحشوری و دشمن‌ستیزی وی را می‌ستایند و از او به شرح زیر یاد می‌کنند:

میرزا آدم مذهبی بوده، به خاطر استقلال ایران با انگلیس و روسیه مبارزه کرد. میرزا با روحانیون در نجف نیز ارتباط داشت و... (نمونه سی‌ویک، ۷۴ ساله، شفقت).
میرزا مبارز انقلابی و روحانی بوده، روحانیون در بین مردم مهم بودند. پدرم که فرد نماز خوانی بود، می‌گفت که میرزا دزد نبود (نمونه بیست‌ونه، ۷۲ ساله، توابع شفقت).

^۱ تاریخ شهادت میرزا ۱۱ آذر ۱۳۰۰ است

ویژگی دیگر آن اشاره به شخصیت‌های سنتی مذهبی میرزااست که بیشتر به مقدسات، نماز، اصول اخلاقی دینی، روحانیون و مساجد اشاره داشتند؛ حتی نظافت میرزا را برگرفته از دین اسلام می‌دانستند و به استخاره گرفتن میرزا قبل از هر کاری اشاره داشتند.

در مورد ویژگی‌های میرزا باید بگویم بسیار مقید به اصول خودش بود، حتی تمامی کارهای ساده و خیلی مهم رو با استخاره انجام می‌داد (نمونه پنجاه و سه، ۵۸ ساله، کسما).

میرزا در رشت می‌بیند که سه انگلیسی یک خانم جوانی را کشان‌کشان وارد ماشین کردند، این قبیل اتفاقات بر بیگانه‌ستیزی میرزا افزود که میرزا درگیر می‌شه و گلوله‌ای به پاش اصابت می‌کنه. ایشان را به خاطر ترس از رژیم برای مداوا به لاهیجان می‌برند و از همون جا با دکتر حشمت آشنا شد (نمونه هشت، ۷۶ ساله، صومعه سرا).

نسل اول از قرابت میرزا به ائمه و امامان شهید یاد می‌کنند.

وقتی دکتر حشمت را بالای دار می‌برند، می‌خوان چی بگن؟ می‌خوان بگن اگه کسی با میرزا همراه باشه عاقبتش اینه، همون اتفاقی که زمان امام حسین (ع) افتاد، بلایی که سر مسلم‌بن‌عقیل آوردند (نمونه دو، ۸۱ ساله، کسما).

نسل اولی‌ها بیشتر در خاطراتشان میرزا را با مجموعه‌ای از اتفاقات در آن زمانه و شرایط به یاد می‌آورند. بیشتر به یاران میرزا، اختلافات بین آنان و خصوصیات اخلاقی میرزا اشاره داشتند، به طوری که اکثراً به حسین پاپلوسی، دکتر حشمت، حیدر عمو اقلی و... در حین یادآوری اشاره می‌کنند، این نسل در کنار میرزا بیشتر از حاج احمد کسمایی نام بردند و وی را حامی بزرگ میرزا دانستند و حتی بعضی‌ها معتقدند که میرزا کوچک‌خان علت مشهور و نمادین شدنش حاج احمد کسمایی است.

به وسیله حاج احمد، میرزا اسم پیدا کرد و میرزا فرد جوانی بود که اومد کسما و با کمک حاج احمد و سرمایه اون‌ها نهضت جنگل را به وجود آورد. اما چرا اسم میرزا بالا رفت؟ علتش روحانی بودن او بود. میرزا ترس بود. میرزا با کمک آن‌ها در کسما نهضت جنگل را پایه‌گذاری کرد و روزنامه چاپ کردند (نمونه بیست و چهار، ۸۳ ساله، کسما).

از دیگر به یادماندنی‌های نهضت جنگل در نسل اولی‌ها بیشتر به نحوه نبرد میرزا با دشمنان و مشکلاتی که برای یاران میرزا در حین نبرد اتفاق افتاده بود، اشاره داشتند.

یکی از یاران میرزا روایت می‌کرد که ۱۵۰ نفر نیروی میرزا بودیم در محله چکوسر آلیان نزدیک مرداب چادر بزیم. فصل بهار بود، غروب قورباغه‌ها شروع به سروصدا کردند، حسن‌خان دستور داد چند نفر از بازار فومن و صومعه‌سرا روده گاو و گوسفند به آلیان آوردند. روده‌ها را توی مرداب ریختند. قورباغه‌ها از ترس اینکه روده‌ها را مار فرض کرده بودند، دیگر سروصدايي نکردند و... (نمونه پنج، ۷۵ ساله، توابع فومن).

ب. جنبش جنگل

بررسی بیشتر در روایت‌های نسل اول حاکی از مذهبی بودن جنبش میرزاست که به صورت خاطره یادآوری می‌شود.

وقتی ضرغام‌السلطنه^۱ متوجه می‌شود که سیزده نفر از یاران اسلحه‌دار میرزا در منطقه پونل فعالیت می‌کنند، برایشان پیام می‌فرستد که به قرآن سوگند یاد می‌کنم ما با شما پییم و علیه حکومت هستیم، اما ضرغام با استفاده از سوگند دروغین به قرآن این چند نفر را فریب داد و باعث دستگیری آنان توسط ماموران حکومتی شد، ولی ضرغام‌السلطنه خیانتکار بعد از یک ماه بیماری فوت کرد (نمونه سیزده، ۷۸ ساله، کسما).

پدرم برای ما نقل می‌کرد که (پدر بزرگ ایشان، مرحوم باباغلامعلی ماسوله‌ای از شهدای به‌نام نهضت جنگل) سخت مورد اعتماد و علاقه میرزا کوچک بود. او در روز احیا با دهان روزه در حال نماز با اصابت گلوله به سرش در روزهای اوج نهضت جنگل به شهادت می‌رسد. مردم با هر زحمتی پیکر او را به نجف اشرف بردند و در قبرستان وادی سلام نجف اشرف به خاک سپردند (نمونه یک، ۷۴ ساله، شفت).

نکته قابل توجه این است که تداوم یاد و خاطره میرزا دغدغه خاطری برای نسل اولی‌ها بود؛ چون سیاست حاکم بر زمان آنان فراموشی تعمدی خاطره میرزا بود، آن‌ها تلاش می‌کردند که تداوم‌بخش یاد و خاطره میرزا برای نسل بعدی باشند.

چند سال متوالی کتاب‌هایی که در ارتباط با مبارزات، اندیشه‌ها، شخصیت‌های میرزا بود، شناسایی و خریداری کردیم و به دانش‌آموزان هدیه کردیم. یعنی تلاش کردیم تا جوانان میرزا را بشناسند و روح سلحشوری و دشمن‌ستیزی را در جوانان و نوجوانان استان زنده نگه داریم ... (نمونه یک، ۷۴ ساله، شفت).

در نسل قبل از انقلاب یادآوری میرزا با جزئیات و بستر تاریخی همراه است. این نسل به روسیه و طرفداری میرزا از انقلاب بلشویکی اشاره داشتند، همچنین در روایت‌هایشان روس تزار را از روس کمونیسم تفکیک می‌کردند.

از تالش آمد رد شد تا برود روسیه، چون آنجا هم انقلاب بلشویکی بود. هنگام برگشت از روسیه به آقاجانی نامه می‌نویسد که بیاید تا در مورد جنگ اندیشه کنیم که مبارزاتمان را چگونه هدایت کنیم. آقاجانی در پاسخ به نامه او جواب می‌دهد که من دوست مشروطه شما بودم نه دوست بولشویکی (نمونه شانزده، ۶۱ ساله، تالش).

^۱ از بزرگان و خان‌های منطقه پونل در تالش بود، از طرفداران نظام پهلوی که در زمان قاجار از مظفرالدین‌شاه لقب سردار مقتدر را دریافت کرده بود.

منظورم از روس تزاری روسی بود که با ما جنگیدند و روس کمونیسم هیچ وقت با ما جنگید. روس کمونیسم همسایه خوب برای ما بوده، با اینکه ما مرز مشترک زیادی داریم تا الان یک مرزبان هم خون دماغ نشده (نمونه هشت، ۷۶ ساله، صومعه سرا).

همچنین، به دلیل انتقال شفاهی خاطره میرزا در نسل اول پراکنده گویی آنان در روایت‌ها قابل تأمل است.

شنیدم از پدر دوستم که می‌گفت: در زمان مظفرالدین شاه - که مکتب‌خانه می‌رفتم - میرزا با یک گروهی اسب‌سوار و اسلحه‌به‌دست آمدند در بین اشخاص و من را صدا کرد گفت ای پسر مکتب می‌ری؟ (نمونه شانزده، ۶۱ ساله، تالش).

دهن به دهن از مردم و از شوهر عمه‌ای که داشتم، شنیدم: میرزا می‌گفت که ژاندارم‌ها را نباید کشت؛ این باعث برگشتن حاج احمد از نهضت جنگل شد (نمونه بیست و چهار، ۸۳ ساله، کسما).

چون منبع اطلاعاتی نسل اول از طریق داستان‌ها و گفتارهای شفاهی اقوام و افراد محلی شکل گرفته بود، روایت آنان شکل عوامانه، انضمامی و از هم پراکنده داشت، با رؤیت کثرت خاطرات این نسل از نحوه نبرد میرزا، و... متوجه می‌شویم این نسل بیشتر نگاه صوری به شخصیت میرزا و جنبش جنگل داشتند تا نگاهی محتوایی.

خاطره میرزا و جنبش جنگل در بین نسل دوم

نسل دوم برخلاف نسل اول که فقط از طریق گفته‌های شفاهی خویشان و افراد بومی محل خود، میرزا را به یاد می‌آوردند و روایتشان شکل پراکنده و انضمامی به خود داشت، به دلیل استفاده از داده‌های شفاهی غیررسمی محلی و رسانه‌های رسمی نظام، میرزا را با فکت‌های تاریخی بازنمایی می‌کنند. ترکیب داده‌های تجربی در کنار داده‌های کتابی باعث شده که این نسل دارای خاطره مؤثر از میرزا باشند.

الف. شخصیت میرزا

نسل دوم میرزا را با بُعد اجتماعی، دعوت شدن به مهمانی‌ها، مراسم ازدواج و دادن هدیه به عروس و داماد و جاری کردن خطبه عقد توسط وی، همچنین توصیه کردن افراد به خوش رفتاری با فرزندان به یاد می‌آوردند.

صحبت‌هایی که از قدیم می‌گن، میرزا فقط کارش جنگ نبود، اگه جشن عروسی بود، میرزا کوچک خان می‌اومد به عروس و داماد به انعامی می‌داد. این جور نبود که تو سفره فقرا نشست نداشته باشه. برایش ثروتمند و فقیر یکسان بود (نمونه سی و هشت، ۴۷ ساله، فومن).

مادربزرگم می‌گه اون موقع پدرم تو حمام صندوق‌دار بود، اونجا میرزا و یارانش برای استحمام کردن آمده بودند، که پدرم برام عصبانی شد، میرزا از کار پدرم ناراحت شد و داخل دستم به پولی انداخت... (نمونه دوازده، ۴۰ ساله، صومعه سرا).

نسل بعد از انقلاب از میرزا به عنوان حامی فقرا و لایه‌های پایین جامعه یاد می‌کنند.

میرزا با عده‌ای اسب‌سوار به بیلاق (دران) تالش اومده بود، علت آمدن میرزا به اون بیلاق گله‌داری بوده که مورد اذیت خان‌ها قرار گرفته بود، به همین دلیل میرزا به اون بیلاق اومده بوده تا رفع اختلاف کنه (نمونه نوزده، ۴۳ ساله، تالش).

یکی از صحبت‌های میرزا این بود که کشاورزهایی که شصت سال به بالا دارن باید مستمری بگیرن، چون قادر به کار دیگه نیستن. همین طرح شهید رجایی که بعد از انقلاب اجرا شد، در زمان میرزا مطرح شده بود (نمونه دوازده، ۴۰ ساله، صومعه سرا).

ب. جنبش جنگل

نسل دوم قیام میرزا را در کنار دفاع از سرزمین خود، دفاع از مردم مظلوم و رسیدن به مسند حکومت بازنمایی می‌کنند.

از مجرای قانونی اگر شنیده‌ها را در نظر بگیریم، میرزا یک فرد قانونمند و مبارز بود، ولی اگر به گذشته برگردیم و از نقل‌قول‌های اقوام بگوییم، هدفش از قیام علاوه بر دفاع از مردم، رسیدن به کرسی حکومت بود (نمونه بیست‌وپنج، ۵۰ ساله، شفت).

این آقا به جنبش دهقانی در منطقه گیلان را رهبری می‌کرد، برای دفاع از مردم مظلوم با حکومت وقت مبارزه کرد (نمونه ده، ۴۸ ساله، تالش).

همچنین در نسل دوم میرزا را در کنار قهرمانان بعد از انقلاب به یاد می‌آوردند، به تجدید خاطرۀ میرزا در قالب همایش‌ها و سخنرانی‌ها اشاره داشتند و اهمیت تجاری و فرهنگی کسما را توضیح می‌دادند.

ایشان یک قهرمان ملی هستند، مانند شهدای دفاع مقدس که برای ما اسوه و ملاک هستند، مثل سردار همت یا شهید باکری (نمونه بیست‌وشش، ۴۷ ساله، شفت).

کسما از زمان میرزا مرکز نشر و چاپ روزنامه بود. من شنیدم از پدربزرگ‌هامون که با کشتی از روسیه آهن می‌آوردند تهران و جاهای دیگه می‌بردند... موقعیت علمی و سطح تحصیلات افراد این منطقه برگرفته از همونه. (نمونه سی‌ودو، ۴۵ ساله، کسما).

برای تداوم اهمیت یاد و خاطرۀ میرزا در تاریخ گیلان می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره

داشت:

از لحاظ تاریخی برای گیلان مهم است. همیشه برایش سالگرد می‌گیرند، خدا بیامرزتش. تاریخ مردم گیلان را زنده نگه داشت (نمونه سی و چهارم، ۴۵ ساله، فومن).

مستولین امر هم در قالب همایش و برنامه‌های دیگر یاد و خاطره میرزا را همه‌ساله تجدید خاطر می‌کنند (نمونه سی و هفتم، ۴۰ ساله، کسما).

این نسل به دلیل داشتن مطالعات کافی، برخورداری از تحصیلات، استفاده از رسانه‌های رسمی و محلی دارای خاطرات مؤثری از میرزا هستند و میرزا را با واقعیت‌های تاریخی به یاد می‌آورند.

خاطره میرزا و جنبش جنگل در نسل سوم

بررسی مصاحبه‌های صورت گرفته حاکی از آن است هرچه از نسل اول به نسل دوم، و بویژه نسل سوم می‌رسیم در یادآوری واقعه آن دوره، «جنبش جنگل» محوریت اصلی یافته و شخصیت میرزا جایگاه حاشیه‌ای‌تر پیدا می‌کند. با عنایت به این یافته در بررسی نسل سوم ابتدا به جنبش جنگل و سپس به شخصیت میرزا اشاره می‌کنیم. دقت در مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که نسل سوم در شکل‌گیری خاطراتشان بیشتر تحت تأثیر حافظه رسمی و رسانه‌ای نظام بودند، بنابراین خاطراتشان بیشتر برگرفته از فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی بود. در این نسل به دلیل فقدان اطلاعات محلی از میرزا مکان دفن وی به عنوان محل بازنمایی اطلاعات از میرزا عنوان شد.

ما چون میرزا کوچک خان را فقط تو فیلم‌ها دیدیم و کمی هم در کتاب تاریخ خواندیم، آنچه در ذهنم می‌آید، در به دری، جنگ، دکتر حشمت، اعدام، جیره‌بندی، فرار کردن، کوهستان، برف و سرماست (نمونه نه، ۳۸ ساله، آستارا).

هرچی ما از میرزا می‌دانیم، با توجه به فیلم‌ها و سریال‌هایی است که تماشا کردیم. همیشه در حال جنگ و مبارزه در کوهستان‌ها بود (نمونه بیست و هشت، ۳۹ ساله، تالش).

میرزا را در سلیمان‌داراب رشت دفن کردند. آرامگاه میرزا همه‌ساله از کشورهای خارجی بازدیدکننده داره (نمونه یازده، ۳۷ ساله، فومن).

الف. جنبش جنگل

نهضت میرزا در خاطرات نسل سومی‌ها با ویژگی کارizmایی بازنمایی می‌شود. علت حمایت مردم از قیام میرزا علاوه بر خصلت وطن‌پرستی یا ویژگی مذهبی، در جذبه‌های شخصیتی و نوع دوستی وی است.

بحث میهن‌پرستی میرزا، بحث کارizما بودن نهضت وی است که مردم به خاطر عشق و محبتی که به وی داشتند به حمایت از او جمع شدند و در برابر روس و حکومت مرکزی قیام کردند (نمونه چهل و سه، ۳۷ ساله، آستارا).

حُب میرزا جدا از این جنگ‌ها، خصوصیات شخصی بارزی هم داشته، به کشور خودش زیاد توجه می‌کرد. به مستمندان کمک می‌کرد، نوع حکومتش به شکل مردمی بود. (نمونه پنجاه، ۳۱ ساله، قومن).

نسل سوم بیشترین علت شکست میرزا را نبود ارتباطات قوی و رسانه یاد می‌کنند.

مثل امام خمینی که به واسطه و حمایت مردم امام خمینی شد. میرزا هم می‌توانست مثل امام خمینی پیروز شود، اگر پیشرفت در ارتباطات رسانه‌ای وجود داشت (نمونه سی و پنج، ۳۸ ساله، آستارا).

ارتباطات مثل الان قوی نبود، رسانه‌ها نبودند؛ به خاطر همین میرزا نتوانست خارج از گیلان طرفدار پیدا کند (نمونه پنجاه و یک، ۲۸ ساله، تالش).

ب. شخصیت میرزا

روایت‌های نسل سوم بر ویژگی‌های مبارزه‌طلبی میرزا در برابر استعمار، بیگانگان و دفاع از وطن تأکید دارد.

اسم میرزا کوچک‌خان که می‌آد، اول آدم به یاد استکبارستیزی‌ش می‌افته. اولاً که یک انسان انقلابی، مبارز... و کسی بود که در مقابل استکبار ایستاد (نمونه چهل و یک، ۳۶ ساله، شفت).

نفوذ فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی در تصویرسازی از میرزا در کنار نبود، اطلاعات کافی در نسل سوم تصویر مبهم و هاله‌ای از میرزا برجای گذاشته است. خلاء و افت اطلاعات محلی از میرزا در این نسل باعث شده که آرامگاه میرزا تبدیل به محلی برای یادآوری اطلاعاتی از میرزا برای مردم باشد.

تحلیل یافته‌ها

تمرکز بیشتر روی خاطره‌های ضبط‌شده، گوش دادن متوالی به آن‌ها و بررسی‌های صورت‌گرفته از سه نسل نشان می‌دهد که با توجه به اولویت‌بندی مقوله‌های بازنمایی، خاطره میرزا در سه نسل مباحث ترجیحی هر نسلی در به یادآوری میرزا متفاوت از نسل‌های دیگر است.

نسل اول شخصیت میرزا را در قالب مذهبی، سنتی و استکبارستیزی بازنمایی می‌کنند؛ خصلت مبارزه‌گری او را برگرفته از سیره امامان و ائمه می‌دانند و میرزا را در کنار اتفاقات تاریخی آن زمان (مشروطه، انقلاب بولشویکی، تفکیک روس تزار از روس کمونیسم و...)، همراه قهرمانان ملی چون ستارخان و باقرخان به یاد می‌آورند. این نسل دیدگاهی کاملاً مذهبی به جنبش جنگل دارند و در تلاش برای تداوم یاد و خاطره میرزا برای نسل جوان هستند.

نسل دوم شخصیت میرزا را در بُعد اجتماعی، عدالت‌محوری، نوع‌دوستی و ایستادگی در برابر ظلم یادآوری کرده، آنان میرزا را با قهرمانان جنگ بازنمایی کردند و به بُعد تجاری و فرهنگی کسما اشاره داشتند و جنبش جنگل را برای دفاع از سرزمین و رسیدن به حکومت دانسته، همچنین همایش‌ها و مراسم‌های بزرگداشت میرزا را برای تداوم یاد و خاطره وی می‌دانستند.

نسل سوم اهمیت رسانه‌ها، شخصیت میهن‌پرستی و استکبارستیزی میرزا، ویژگی‌های کاربزمایی جنبش جنگل را به یاد می‌آوردند. آرامگاه میرزا را محلی برای یادآوری اطلاعات و آگاهی از میرزا می‌دانستند.

میرزا در نسل اول به عنوان یک شخصیت دینی و سنتی دنباله‌روی سیره امامان و ائمه بازنمایی شد. او در نسل دوم بیشتر بُعد اجتماعی و عدالت‌محوری یافت؛ در مراسم‌ها و آیین‌ها شرکت می‌کرد، با مردم نشست‌و‌برخاست داشت و برطرف‌کننده اختلافات بین آنان بود. در نسل سوم به میهن‌پرستی و استکبارستیزی وی اشاره شد. نسل اولی‌ها شخصیت مبارزه‌گری میرزا را در کنار قهرمانان ملی زمان خود مانند ستارخان، باقرخان بازنمایی می‌کردند، در نسل دوم میرزا در کنار قهرمان جنگ و انقلاب از جمله سردار همت و شهید باکری به یاد آورده شد؛ این درحالی‌ست که نسل سومی‌ها کمتر به نبرد و بازنمایی وی در کنار قهرمان‌ها پرداختند. بازنمایی میرزا همراه با شرایط و اتفاقات زمان راویان یکی دیگر از مقوله‌هایی بود که باید به آن اشاره داشت. در نسل اول میرزا با مشروطیت و انقلاب بولشویکی روسیه به یادآورده می‌شود. نسل دوم میرزا را با انقلاب و جنگ به یاد می‌آوردند، ولی در نسل سوم میرزا در برابر خیانت انگلیس و سایر کشورهای استعمارگر مانند آمریکا بازنمایی می‌شود.

تداوم به یادآوری میرزا در نسل دوم به وسیله همایش‌ها و دیگر ابزار رسانه‌ای بیان شد. نسل اولی‌ها هم تنها راه زنده نگه داشتن یاد میرزا را در انتقال شفاهی اطرافیان خود یا به صورت آواز در مزارع توسط زنان و مردان عنوان کردند. در نسل سوم به علت ارتباطات پیشرفته و رسانه‌ها دغدغه‌ای برای تداوم یاد میرزا شنیده نشد.

یادآوری ویژگی‌های جنبش میرزا در نسل اول از رنگ‌وبوی مذهبی - سنتی برخوردار بود. نسل دومی‌ها آن را در حمایت از مردم مظلوم و رسیدن میرزا به مسند حکومت دیدند و در نسل سوم قیام میرزا حالت کاربزمایی به خود گرفت. در نسل اول نقش منطقه کسما در پایه‌گذاری جنبش جنگل و حمایت کسمایی‌ها از این جنبش مهم‌ترین مباحثی بود که همراه میرزا بازنمایی می‌شد، از اهمیت تجاری، فرهنگی بودن کسما و موقعیت علمی و تحصیلی آن در نسل دوم بیشتر گفته می‌شود. این درحالی‌ست که نسل سوم فقط به عدم مرمت و بازسازی برخی بناهای قدیمی در کسما اشاره کردند.

آنچه در اذهان نسل سومی‌ها از میرزا و جنبش جنگل بازنمایی می‌شود، بیشتر برگرفته از فیلم و سریال‌های تلویزیونی است که بدون تحقیق و مطالعات جانبی افراد، صرفاً رسانه‌های رسمی در شکل‌گیری آن‌ها مؤثر بوده است؛ به همین دلیل میرزا تنها به دور از

واقعیت‌های تاریخی به یادآورده می‌شود، اما رسانه‌های بومی در کنار رسانه‌های رسمی نظام در نسل دوم باعث کثرت اطلاعات مفید و تنوع در خاطرات این نسل شده؛ میرزا همراه اتفاقات و حوادث تاریخی بازنمایی می‌شود. این در حالی است که یادآوری میرزا در نسل اول بیشتر برگرفته از رسانه‌های محلی، روایت‌ها و گفته‌های شفاهی پدربزرگ‌ها، پدران و اطرافیان در قالب داستان در طی دوره‌م‌نشینی‌های شبانه یا در قهوه‌خانه بود. پراکنده‌گویی و روایت اتفاقات حاشیه‌ای بیشتر در این نوع بازنمایی به چشم می‌خورد.

نتیجه‌گیری

در میان همه قیام‌هایی که قبل از سه دهه اخیر در ایران به وقوع پیوسته، قیام میرزا و نهضت جنگل از جمله اوراق زرین تاریخ معاصر ایران است و در نوع رهبری، محتوای نهضت و موقعیت تاریخی دارای خصوصیات ممتاز و ویژه‌ای است که همواره مورد توجه خاص مورخان و پژوهش‌گران تاریخ معاصر ایران قرار دارد.

از آنجا که معیار انتخاب نسل‌ها در این تحقیق علاوه بر بُعد زمان (سن)، تجربه زیسته افراد است، خاطرات میرزا و جنبش جنگل در قالب سه نسلی قابل پیگیری است. نسل اولی‌ها یا همان نسل قبل از انقلاب به دلیل تجربه سیاست‌خاطر در دوره رضاشاه روایتی پراکنده، به‌شدت وابسته به گفتارهای گذشتگان و غیریکپارچه داشتند. در حقیقت به دلیل تلاش حاکمیت محمدرضاشاه بر فراموشی تعمدی میرزا و جنبش جنگل، یادآوری نسل اولی‌ها به شکل انضمامی، بدون نگاه کلی و عام به میرزا و نهضت جنگل صورت می‌گیرد. نکته جالب توجه آنکه نسل اولی‌ها برای معنابخشی به گفته‌های شفاهی گذشتگان از میرزا و جنبش جنگل آن را بیشتر در چارچوب گفتمان مذهب و سنت قرار می‌دهند. به‌طوری‌که در نسل اول وقتی از نمونه‌ها سؤال می‌شد که چه خاطره‌ای از میرزا در ذهن شما وجود دارد، بیشتر از میرزا به یاران، سربازان و اتفاقاتی که برای یاران جنگل رخ داده بود، اشاره می‌کردند.

نسل دوم که تجربه دو نظام سیاسی متفاوت را در دوران حیات خود داشتند، هم از گفته‌های شفاهی محلی بدون سوگیری و هم از رسانه‌های رسمی و مطالعات بهره داشتند. آنان میرزا را با دیدی کامل و منسجم به یاد می‌آوردند. هرچند مطالعات خاطره جمعی معمولاً فرض می‌کنند که رویدادها یا چهره‌ها باید معاصر باشند تا خاطره‌اشان در ذهن گروه باقی بماند، ولی در این تحقیق شهرت و ارزش میرزا پس از مرگ وی در بین افرادی که او را به عنوان یک نماد جمعی پس از مرگ تجربه کردند، کامل‌تر از نسلی است که از لحاظ زمانی به میرزا نزدیک‌تر بودند، به خاطر آورده شد. این نتیجه می‌تواند همسو با نتیجه تحقیق لارسون و لیزاردو (۲۰۰۶) درباره چه‌گوارا باشد که بیشترین خاطرات از چه‌گوارا از نسلی بازنمایی شد که در زمان شرکت چه‌گوارا در انقلاب کوبا در اوایل دهه ۱۹۶۰ متولد نشده بودند.

نسل سوم آنچنان فاقد منابع برای دستیابی به خاطره میرزا و جنبش جنگل بوده‌اند که به اشتباه از آمریکا به عنوان کشور استعمارگر زمان جنبش جنگل یاد می‌کنند. یا تحت تأثیر سیاست حافظه رسمی به علت مهم جلوه‌داده شدن مشکل ایران و آمریکا بعد از انقلاب، استکبارستیزی میرزا را در مقابل آمریکا به شکل حال‌گرایانه بازنمایی می‌کنند. این نتیجه هم می‌تواند تأییدکننده نظریه حال‌گرایی هالبواکس باشد، مبنی بر اینکه شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زمان حال در نحوه بازنمایی تأثیرگذار است. با نقش مؤثر رادیو و تلویزیون‌های دولتی در بازنمایی سیاست‌های فرهنگی، حال‌گرایی در این نسل به نوعی تقلیل‌گرایی سیاسی، ایدئولوژی نیز متهم است (تانجل، ۲۰۱۴: ۹۷-۹۸).

پس از کادر نسل، بحث دینداری نیز در شکل‌دهی به خاطره میرزا در نسل اول تأثیرگذار است، به طوری که نسل اولی‌ها واقعه جنگل را در چارچوب مباحث شرعی برای دوام دین و احکام دینی به خاطر می‌آوردند. دلیل شروع قیامش را برگرفته از واقعه عاشورای امام حسین می‌دانستند و در کنار شب‌های احیای ماه رمضان، شهادت میرزا را به یاد می‌آوردند. این نسل وی را دنباله‌روی ائمه و امامان می‌دانستند؛ به نمازخوانی و مسجد رفتن میرزا اشاره داشتند. بعضی از نمونه‌ها هدف قیام میرزا را تلاش برای ایجاد حکومت دینی بیان می‌کردند. در نسل دوم و سوم از میزان تأثیرگذاری مذهب بر خاطره میرزا کاسته می‌شود. این نتیجه می‌تواند هم مطابق با نظریه دورکیم در مورد نقش دین در نحوه یادآوری گذشته و همسو با نظر «دین به عنوان کادر اجتماعی حافظه جمعی» هالبواکس باشد که با تغییر میزان اهمیت آن نزد افراد، یادآوری‌ها متفاوت می‌شود.

از دیگر نتایج قابل ذکر این تحقیق نحوه به‌یادآوری میرزا و جنبش جنگل است که در طی این سه نسل چهره‌های متفاوتی به خود می‌گیرد. هر نسلی میرزا را با ویژگی‌های مشترک خود و اتفاقاتی که با آن مواجه شده به یاد می‌آورند و همین عامل می‌تواند باعث بازنمایی متفاوت از میرزا در سه نسل هم باشد. این نتیجه هم می‌تواند تأییدکننده نظریه شوارتز در تحقیق تاریخ و حافظه جمعی، چگونگی تبدیل لینکلن به برابری نژادی در سال (۱۹۹۷) و (۱۹۹۱) دموکراسی شدن واشنگتن باشد که شرایط و ویژگی‌های هر نسلی باعث بازنمایی‌های متفاوت و جدیدی از یک شخصیت یا حوادث تاریخی می‌شود.

منابع

- اسلامی، سیدحسین (۱۳۸۴)، «صوبینانی حیات دینی و دورکیم»، فصلنامه پژوهشی اندیشه نوین دینی، شماره ۳، صص: ۱۹۷-۲۲۹.
- بیکر، ترزال (۱۳۸۳)، روش تحقیق نظری در علوم اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییب، تهران: پیام نور.
- توسلی، غلامعباس؛ ادهمی، جمال (۱۳۹۱)، «حافظه تاریخی، هویت قومی و جهانی شدن: پژوهش بین نسلی در شهر سندج»، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۲، صص: ۷-۳۷.
- توکل، محمد؛ قاضی‌نژاد، مریم (۱۳۸۵)، «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی، بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو». نامه علوم اجتماعی، دوره ۲۷، شماره ۲۷، صص: ۹۵-۱۲۴.
- جانعلیزاده چوب‌بستی، حیدر؛ فرزند، محمد مهدی (۱۳۹۵)، «نشانه‌شناسی حافظه جمعی جنگ ایران و عراق (دفاع مقدس) بررسی موردی تصاویر هم‌رسانی‌شده در شبکه‌های اجتماعی مجازی»، فصلنامه تخصصی میراث فرهنگی و گردشگری، دوره اول، شماره دو، صص: ۲۵-۴۹.
- جانعلیزاده چوب‌بستی، حیدر؛ علیوردی‌نیا، اکبر؛ فرزند، محمد مهدی (۱۳۹۶)، «جامعه‌شناسی حافظه جمعی حوزه مطالعاتی پارادایمیک یا ناپارادایمیک؟»، فصلنامه راهبرد و فرهنگ، شماره چهارم، صص: ۳۸-۷۰.
- جاوید، فروغ (۱۳۹۴)، «مرگ در حافظه جمعی ایرانیان: مطالعه موردی گورستان‌های شهرستان رشت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گیلان: دانشگاه گیلان.
- شاکری، خسرو (۱۳۸۶)، میلاد زخم: جنبش جنگل و جمهوری شوروی سوسیالیستی در ایران، ترجمه شهریار خواجهیان، تهران: اختران.
- عبداللهی چندانق، حمید؛ آوریده، سولماز (۱۳۹۴)، «خاطره اصلاحات ارضی، مطالعه موردی: شهرستان تالش در استان گیلان»، مجله جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۷، شماره ۲، صص: ۲۷-۵۸.
- عبداللهی چندانق، حمید؛ یزدان عاشوری، فاطمه (۱۳۹۲)، «تاریخ معاصر ایران در حافظه جمعی ایرانیان. مطالعه‌ای بین‌قومی»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۳۰، شماره ۲، صص: ۴۶-۸۲.
- فرزند، محمد مهدی؛ رضایی، احمد؛ جان‌علیزاده چوب‌بستی، حیدر (۱۳۹۷)، «حافظه جمعی و هویت ایرانی». فصلنامه مطالعات ملی، سال نوزدهم، نمونه ۱، صص: ۳-۲۰.
- کاظمی، کاظم؛ مصطفی‌پور، علی (۱۳۹۲)، «حافظه جمعی قوم کرد و رابطه آن با نگرش به نظام هویتی (شهر بوکان)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۴، شماره ۱، صص: ۱۴۲-۱۷۲.
- مانهایم، کارل (۱۳۸۹)، مقاله‌هایی درباره جامعه‌شناسی شناخت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: ثالث.
- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۹۱)، تاریخ سیاسی معاصر ایران جلد اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مدنی، میراحمد (۱۳۷۷)، جنبش جنگل و میرزا کوچک‌خان، به کوشش سید محمدتقی میرابوالقاسمی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- Conway, Brian (2010), *Commemoration and Bloody Sunday: Pathways of Memory*, New York: Palgrave Macmillan.
- Durkhiem, Emile (1995), *The Elementary Forms of Religious Life*, Translated by K. E. Fields, New York: the Free Press.
- Halbwachs, Maurice (1992), *On Collective Memory*, Chicago: Chicago University Press.
- Halbwachs, Maurice (1925), *Les cadres sociaux de la memoire*, paris: Albin Michel [“the social frameworks of memory”, In *M Halbwachs On collective memory*, 37-189, 1992].
- Larson, Jeff A.; Lizardo, Omar (2007), "Generations, Identities and the collective memory of Che Guevara". *Sociological Forum* 22: 425-451.
- Mannheim, Karl (1952), "The Problem of Generations", In Karl Mannheim. *Essays on the Sociology of Knowledge*, London: Routledge and Kegal Paul, pp 276-322.
- Olick, Jeffrey K. (1999). "Collective Memory: the Two Cultures". *Sociological Theory*. 17(3): 333-348.
- Pequignot, Bruno (2012). "Collective memory and the production of the new", *International social science Journal*, 62 (203-204): 79-87.

Schuman, Howard; Rodgers, Williard. L. (2004), "Cohorts, Chronology and Collective Memories", *Public Opinion Quarterly*. 68(2): 217-254.

Schuman, Howard; Scott, Jacqueline (1989), "Generations and Collective Memories", *American Sociological Review* 54: 359-81.

Schuman, Howard; Corning, Amy D. (2000), "Collective knowledge of Public Events: the Sovite Era from the Great Purge to Glasnost", *American Journal of Sociology* 105: 913-956.

Schuman, Howard; Rieger, Cheryl (1992), "Historical Analogies, Generational Effects, and Attitudes toward War", *American Sociological Review* 57: 315-326.

Schwartz, Barry (1997), "Collective Memory and History: How Abraham Lincoln Became a Symbol of Racial Equality", *Sociological Quarterly* 38(3): 469-496.

Schwartz, Barry (1991), "Social Change and Collective Memory: the Democratization of George Washington", *American Sociological Review* 56(2): 221-235.

Tuncel, Turgut Kerem (2014), "A Review of the Social Memore Literature: Schools, Approaches and Debates", *Ulusrarasi Suclar ve Tarih*, Sayi: 15.

